فهرست مطالب

[ادامه سبب سوم: زلزله 1](#_Toc197790150)

[سبب چهارم: مخاوف سماویه و ارضیه 2](#_Toc197790151)

[مخاوف سماویه 2](#_Toc197790152)

[مخاوف ارضیه 4](#_Toc197790153)

[موارد عدم وجوب نماز آیات 5](#_Toc197790154)

[وقت نماز آیات 7](#_Toc197790155)

الثالث: الزلزلة، و هي أيضاً سبب لها مطلقاً و إن لم يحصل بها خوف على الأقوى.

الرابع: كلّ‌ مخوّف سماوي أو أرضى كالريح الأسود أو الأحمر أو الأصفر و الظلمة الشديدة و الصاعقة و الصيحة و الهدّة و النار التي تظهر في السماء و الخسف و غير ذلك من الآيات المخوّفة عند غالب الناس.

# ادامه سبب سوم: زلزله

بیان شد که در مورد زلزله روایت معتبری که تام السند و الدلالة باشد و وجوب نماز آیات را در هنگام زلزله اثبات کند، پیدا نکردیم و لذا احتیاط واجب کردیم.

ممکن است گفته شود به دلیل استفاضه روایات ضعیف السند، وثوق به صدور بعضی از این روایات حاصل می شود و در اینجا نیز روایات وجوب نماز آیات در هنگام زلزله مستفیض هستند.

روایت اول خبر سلیمان دیلمی[[1]](#footnote-2) بود.

روایت دوم خبر مجالس بود که در آن نقل شده: «إِنَّ الزَّلَازِلَ وَ الْكُسُوفَيْنِ وَ الرِّيَاحَ الْهَائِلَةَ مِنْ عَلَامَاتِ السَّاعَةِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ فَتَذَكَّرُوا قِيَامَ السَّاعَةِ وَ افْزَعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ ».[[2]](#footnote-3) گفته می شود ظاهر «افْزَعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ»، «افزعوا الی مساجدکم للصلاة» است. ما جلسه گذشته اشکال کردیم و بر اشکال خودمان باقی هستیم. ممکن است که پاسخ داده شود که به قرینه نقل مقنعه از امام صادق علیه السلام در جریان مرگ ابراهیم فرزند پیامبر ص که حالت کسوف و خسوف رخ داد و مردم گفتند که به دلیل مرگ فرزند پیامبر ص چنین شده است و پیامبر ص خطبه ای خواند و کسوف را بی ارتباط با مساله مرگ فرزندش دانست و مردم را به نماز آیات فراخواند؛ در مقنعه چنین نقل شده: «و قال الصادق ع قال رسول الله صلى الله عليه و آله إن الشمس و القمر لا ينكسفان لموت أحد و لا لحياة أحد و لكنهما آيتان من آيات الله تعالى فإذا رأيتم ذلك فبادروا إلى مساجدكم للصلاة»[[3]](#footnote-4) و این قرینه است که در روایت مجالس نیز «افزعوا الی مساجدکم للصلاة» مراد است. فرض می گیریم که مراد از روایت همین باشد.

روایت سوم، روایت دعائم است که نقل شده: «وَ عَنْهُ ع أَنَّهُ قَالَ: يُصَلَّى فِي الرَّجْفَةِ وَ الزَّلْزَلَةِ وَ الرِّيحِ الْعَظِيمَةِ وَ الظُّلْمَةِ وَ الْآيَةِ تَحْدُثُ وَ مَا كَانَ مِنْ مِثْلِ ذَلِكَ كَمَا يُصَلَّى فِي صَلَاةِ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ سَوَاءً».[[4]](#footnote-5)

روایت چهارم، روایت فقه الرضا است که در آن نقل شده: «وَ كَذَلِكَ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ فَصَلِّ صَلَاةَ الْكُسُوف».[[5]](#footnote-6)

گفته می شود که وثوق پیدا می کنیم که یکی از این چهار روایت صادر شده است. پاسخ اینکه در اینجا معلوم نیست چهار روایت داشته باشیم. روایت دعائم ممکن است تکرار صحیحه زراره[[6]](#footnote-7) باشد البته الفاظ مقداری متفاوت است ولی ممکن است که قاضی نعمان مصری آن قدر ملتزم نبوده که متن حدیث را نقل کند و ممکن است مقداری خودش یا راوی های قبلی نقل به معنا کرده باشند. فقه الرضا نیز معلوم نیست روایت باشد و کتاب فتوا بوده است. در نتیجه عملا دو روایت می شود و با دو روایت وثوق حاصل نمی شود.

# سبب چهارم: مخاوف سماویه و ارضیه

## مخاوف سماویه

در مورد مخاوف سماویه، شیخ طوسی ادعای اجماع بر لزوم نماز آیات کرده اند. ایشان در خلاف می فرماید: « صلاة الكسوف واجبة عند الزلازل، و الرياح العظيمة، و الظلمة العارضة، و الحمرة الشديدة و غير ذلك من الآيات التي تظهر في السماء. و لم يقل بذلك أحد من الفقهاء، و روي مثل قولنا عن ابن عباس» . دليلنا: إجماع الفرقة».[[7]](#footnote-8) مراد از فقها، فقهای عامه است. اما اجماع در اینجا مدرکی است و عمدتا دو دلیل مطرح است.

دلیل اول صحیحه زراره و محمد بن مسلم است: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالا قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ ع هَذِهِ الرِّيَاحُ وَ الظُّلَمُ الَّتِي تَكُونُ هَلْ يُصَلَّى لَهَا فَقَالَ كُلُّ أَخَاوِيفِ السَّمَاءِ مِنْ ظُلْمَةٍ أَوْ رِيحٍ أَوْ فَزَعٍ فَصَلِّ لَهُ صَلَاةَ الْكُسُوفِ حَتَّى يَسْكُنَ».[[8]](#footnote-9)

ممکن است اشکال شود که بعد از پیشرفت علم، می دانیم که بادهای سیاه و ابرهای سیاه ناشی از عوامل طبیعی هستند و نشانۀ غضب الهی نیستند و دیگر دچار فزع نمی‌شویم.

پاسخ اینکه مخاوف سماویه، اسمی بود برای آنچه در آن زمان اتفاق می افتاد، به تعبیر دیگر این عنوان به نحو قضیه خارجیه مواردی که در آن زمان موجب خوف بوده را موجب نماز آیات می داند و لذا در صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبدالله: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سَأَلَ الصَّادِقَ ع عَنِ الرِّيحِ وَ الظُّلْمَةِ تَكُونُ فِي السَّمَاءِ وَ الْكُسُوفِ فَقَالَ الصَّادِقُ ع صَلَاتُهُمَا سَوَاءٌ»[[9]](#footnote-10) تعبیر مخاوف سماویه به کار نرفته است. امروزه نیز اگر هم فرض شود که نوع مردم دچار خوف نمی شوند، نماز آیات در این گونه اموری که در زمان قدیم موجب خوف نوعی می‌‌شده، لازم می‌‌شود زیرا اخاویف به نحو قضیه حقیقیه نیست تا گفته شود الی یوم القیامه هر زمان خوف نوعی بود نماز آیات واجب است و با عوض شدن فرهنگ مردم و از بین رفتن خوف نوعی دیگر واجب نیست.

اشکال اول در لزوم نماز آیات در مخاوف سماویه این است که در صحیحه زراره و محمد بن مسلم سوال از مشروعیت است و سوال از وجوب نبود. پس اینکه امام ع در جواب فرمودند: «برای تمام مخاوف سماوی نماز آیات بخوانید» ناظر به همین سوال است.

پاسخ اینکه استحباب نماز آیات در مورد مخاوف سماویه، مفروغ عنه بین عامه و خاصه بوده است و عامه قائل به وجوب نبودند. لذا بعید است که زراره و محمد بن مسلم از مشروعیت نماز آیات هنگام مخاوف سماوی سوال کنند. سوال از امر مشتبه می شود و اینجا وجوب مشتبه است. ظاهر «فصل له» وجوب است و وجهی ندارد که از این ظهور رفع ید کنیم. برای اینکه «هل یصلی» حمل بر مشروعیت شود و پاسخ امام نیز ناظر بر مشروعیت دانسته شود نیاز به قرینه واضحه ای است. بنابراین این اشکال وارد نیست.

اشکال دوم اینکه در روایت نقل شده: «فَصَلِّ لَهُ صَلَاةَ الْكُسُوفِ حَتَّى يَسْكُنَ»؛ «ختی یسکن» یعنی نماز را طول بدهید تا مشکل برطرف شود، در حالی که قطعا واجب نیست تا هنگام زوال مخاوف سماویه نماز آیات را طول بدهیم یا تکرار کنیم بلکه مستحب است.

پاسخ اینکه در این اشکال «حتی یسکن» قید مامور به(نماز) لحاظ شده است اما این خلاف ظاهر است. ظاهر این است که یا زمان استمرار امر است یا هدف و غرض از مامور به است. اگر غرض از مامور به باشد همانطور که آقای خویی فرموده اند مانند «اشرب الدواء حتی تبرء من مرضک» است، یعنی هدف از شرب دواء برء از مرض است. در اینجا نیز امام ع فرموده اند که نماز آیات بخوانید و هدف از این نماز آیات این است که خداوند این مشکل را از شما بردارد و چه بسا ممکن است که عذاب باشد، و این نظیر (اقم الصلاه لذکری)است که ذکر غرض قرینه بر استحباب نماز نیست. اگر غایت استمرار امر باشد یعنی وجوب نماز آیات تا زمان از بین رفتن مخاوف سماویه ادامه دارد مانند اینکه گفته می شود نماز صبح تا طلوع آفتاب واجب است که به این معنا نیست تا طلوع آفتاب باید نماز صبح طول داده بشود بلکه یعنی وجوب نماز صبح تا طلوع آفتاب است. ﴿أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى‏ غَسَقِ اللَّيْل﴾[[10]](#footnote-11)‏ به این معنا نیست که از دلوک شمس نماز را شروع کن و تا غسق اللیل ادامه بده بلکه یعنی وجوب نماز مستمر است.

آقای سیستانی این اشکال را که روایت، ناظر به اصل مشروعیت است و نه وجوب پذیرفته اند لذا در مخاوف سماویه نماز آیات را واجب نمی دانند بلکه احتیاط مستحب می کنند[[11]](#footnote-12) لکن انصاف این است که روایت اول ظهور در وجوب نماز آیات در مخاوف سماویه دارد. آقای خویی وجوب نماز آیات را در مخاوف سماویه قبول کرده اما ‌در مخاوف ارضیه احتیاط کرده اند.

روایت دوم صحیحه عبد الرحمن بن ابی عبد الله است. ما اشکال در این روایت را قبول داریم که «صَلَاتُهُمَا سَوَاءٌ»[[12]](#footnote-13)، یعنی مساوی بودن نماز در ریح و ظلمت سماوی و نماز کسوف؛ اما اطلاقی ندارد که وجوب در هر دو هم مساوی باشد بلکه قدر متیقن ممکن است تساوی در کیفیت را اراده کرده باشد و قدر متیقن همین تساوی در کیفیت است، لذا اینکه آقای خویی در این روایت اطلاق را به لحاظ وجوب پذیرفته اند ولی در بحث زلزله نپذیرفته اند وجهی ندارد.[[13]](#footnote-14)

## مخاوف ارضیه

دلیلی بر وجوب نماز آیات در مخاوف ارضیه نیست. ادعای اجماع در کلمات قدما هم ادعای اجماع در این مورد نیافتیم. شیخ نیز در خلاف تنها در مورد مخاوف سماویه ادعای اجماع کرده است.[[14]](#footnote-15)

خسف الارض ابتلای زمینی است و اخاویف سماء بر آن صادق نیست، بله! ابتلای آسمانی به این معنا که بلایی از طرف خداوند است، بر خسف الارض اطلاق می شود ولی معلوم نیست که اخاویف سماء به معنای اخاویفی که تنزل من الله باشد بلکه ممکن است مراد اخاویفی باشد که تحدث فی ظرف السماء. «كُلُّ أَخَاوِيفِ السَّمَاءِ مِنْ ظُلْمَةٍ أَوْ رِيحٍ أَوْ فَزَعٍ»، «من» در اینجا بیانیه است، ظلمت و ریح از مخاوف سماویه است و فزع در اینجا ذکر عام بعد از خاص است. فزع یعنی آنچه که موجب نگرانی و خوف عموم مردم است ولو ریح و ظلمت نباشد و مراد فزعی است که مربوط به اخاویف سماء باشدو همان طور که گذشت اخاویف السماء اسم است بر این موارد در آن زمان و لذا حتی اگر در زمان ما از این موارد ترس و نگرانی برای مردم پیش نیاید باز نماز آیات واجب است.

ما در مورد مخاوف ارضیه مانند آقای خویی و مرحوم امام احتیاط واجب می کنیم[[15]](#footnote-16) زیرا مشهور قائل به وجوب هستند و احتیاط مناسب است. آقای سیستانی هم در مخاوف ارضیه و هم مخاوف سماویه احتیاط مستحب کرده اند.[[16]](#footnote-17)

صیحه هم از مخاوف سماویه است مثلا رعد و برق شدید که موجب خوف نوع مردم می شود. اما اگر مثلا درختان جنگل آتش گرفته باشد و صدای مهیبی بدهد از مخاوف ارضیه می شود.

# موارد عدم وجوب نماز آیات

و لا عبرة بغير المخوّف من هذه المذكورات، و لا بخوف النادر، و لا بانكساف أحد النيّرين ببعض الكواكب الذي لا يظهر إلا للأوحدي من الناس، و كذا بانكساف بعض الكواكب ببعض إذا لم يكن مخوفاً للغالب من الناس.

صاحب عروه فرموده که مخاوف سماویه و ارضیه اگر موجب خوف نوعی نباشد سبب وجوب نماز آیات نمی شود.

آقای گلپایگانی فرموده اند که اگر عرفا، آیه گفته شود ولو موجب خوف نوع مردم نشود نماز آیات واجب می شود[[17]](#footnote-18) زیرا در روایت فرموده: «بعض هذه الآیات»[[18]](#footnote-19) و این تعبیر اطلاق دارد.

 البته گفته شده که در کتاب کافی این تعبیر نقل نشده است ولی این موجب معتبر نبودن نقل شیخ صدوق نمی شود.

اشکال اینکه اگر چیزی مخوف نوعی نباشد عرفا به آن آیه گفته نمی شود و لذا عملا مصداق واضحی ندارد علاوه بر اینکه ما اشکال کردیم که در «بعض هذه الآیات» معلوم نیست که مشارالیه چه چیزی است.

«ولا بخوف النادر»، برخی از کوچکترین رعد و برقی می ترسند اما اگر رعد و برقی موجب خوف نوع مردم نباشد، سبب وجوب نماز آیات نمی شود. ظاهر اخاویف این است که به لحاظ نوع گفته شده است.

سپس صاحب عروه فرموده: «ولا بانكساف أحد النيّرين ببعض الكواكب الذي لا يظهر إلا للأوحدي من الناس» گاهی خورشید کسوف جزئی پیدا می کند به این دلیل که زهره یا عطارد مانع از وصول نور خورشید به زمین می شود ولی نوع مردم این مساله را تشخیص نمی دهند و کسانی که در رصدخانه، رصد می کنند تشخیص می دهند. از نظر عرف مردم به این کسوف الشمس ولو کسوف جزئی که احتراق بعض الشمس است، صادق نیست و لذا نماز آیات واجب نیست.

اما کسوف ماه به بعض کواکب گفته می شود که اصلا فرض ندارد زیرا نزدیک ترین جرم آسمانی به زمین، ماه است و چیزی بین ماه و زمین فاصله نمی شود.

ظاهر عبارتی از مرحوم امام این است که گاهی شهاب سنگ های آسمانی سریع رد می شوند آن ها جلو نور ماه را می گیرند ولی چون زوال نور آن ها سریع است نماز آیات ندارد.[[19]](#footnote-20) به نظر ما اگر فرض بشود که یک شهاب سنگی مانع از انعکاس نور ماه بشود ولو به نحو جزئی، فرمایش مرحوم امام صحیح است.

صاحب عروه فرموده «وكذا بانكساف بعض الكواكب ببعض إذا لم يكن مخوفاً للغالب من الناس» یعنی اگر بعض کواکب موجب کسوف بعض کواکب دیگر بشود ولی موجب خوف غالب مردم نباشد، عنوان کسوف بر او صادق نیست. زیرا کسوف و خسوف به کسوف الشمس و القمر می‌‌گویند.

و نمی دانیم آیا چنین فرضی برای ما اتفاق می افتد زیرا ستاره ها از ما بسیار دور هستند.

بارش شهاب سنگ اگر موجب خوف نوع مردم بشود موجب وجوب نماز آیات می شود.

# وقت نماز آیات

وأمّا وقتها: ففي الكسوفين هو من حين الأخذ إلى تمام الانجلاء على الأقوى، فتجب المبادرة إليها، بمعنى عدم التأخير إلى تمام الانجلاء، وتكون أداءً‌ في الوقت المذكور، والأحوط عدم التأخير عن الشروع في الانجلاء، وعدم نيّة الأداء والقضاء على فرض التأخير، وأمّا في الزلزلة وسائر الآيات المخوّفة فلا وقت لها، بل تجب المبادرة إلى الإتيان بها بمجرّد حصولها، وإن عصى فبعده إلى آخر العمر، وتكون أداء مهما أتى بها إلى آخره.

وجوب نماز آیات از هنگام حدوث کسوف و خسوف است و در این بحثی نیست. اگر کسی یک دقیقه زودتر از شروع کسوف عرفی، نماز آیات را شروع کند او باطل است، باید یا هم‌‌زمان و یا متاخر از زمان شروع کسوف عرفی باشد. معیار شروع کسوف عرفی است نه شروع کسوف تقویمی، لذا وقتی ژئوفیزیک تهران زمان دقیق شروع یک کسوف را اعلام می کند، زود در همان لحظه شروع به خواندن نماز آیات نکنید و چند دقیقه صبر کنید زیرا مشخص نیست که به نظر عرفی کسوف یا خسوف شده باشد.

اگر کسی زودتر نماز را شروع کرد و بعد متوجه شد نمازش باطل است.

مشهور در نماز یومیه قائل هستند که اگر انسان فکر کند که وقت داخل شده و نماز را شروع کند و در وسط نماز متوجه شد که وقت نماز تازه داخل شده است مثلا موقع تشهد رکعت چهارم نماز ظهر دید وقت داخل شده و لکن کل چهار رکعت قبل از وقت بود نماز صحیح است. زیرا در اینجا روایت ابن ابی عمیر از اسماعیل بن رباح هست که در آن نقل شده: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَبَاحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ وَ أَنْتَ تَرَى أَنَّكَ فِي وَقْتٍ وَ لَمْ يَدْخُلِ الْوَقْتُ فَدَخَلَ الْوَقْتُ وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقَدْ أَجْزَأَتْ عَنْكَ»[[20]](#footnote-21) و این ربطی به بحث نماز آیات ندارد و مربوط به اوقات نماز یومیه است.

و الحمد لله رب العالمین.

1. من لا یحضره الفقیه 1: 543 [↑](#footnote-ref-2)
2. [وسائل الشیعة 7: 487](https://lib.eshia.ir/11025/7/487) [↑](#footnote-ref-3)
3. المقنعة 209 [↑](#footnote-ref-4)
4. دعائم الإسلام 1: 202 [↑](#footnote-ref-5)
5. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام 135 [↑](#footnote-ref-6)
6. [وسائل الشیعة 7: 492](https://lib.eshia.ir/11025/7/492) [↑](#footnote-ref-7)
7. الخلاف 1: 682 [↑](#footnote-ref-8)
8. [وسائل الشیعة 7: 486](https://lib.eshia.ir/11025/7/486) [↑](#footnote-ref-9)
9. [وسائل الشیعة 7: 486](https://lib.eshia.ir/11025/7/486) [↑](#footnote-ref-10)
10. الإسراء : 78 [↑](#footnote-ref-11)
11. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 8: 24 [↑](#footnote-ref-12)
12. [وسائل الشیعة 7: 486](https://lib.eshia.ir/11025/7/486) [↑](#footnote-ref-13)
13. موسوعة الامام الخوئي 16: 12 [↑](#footnote-ref-14)
14. الخلاف 1: 682 [↑](#footnote-ref-15)
15. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 8: 25 [↑](#footnote-ref-16)
16. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 8: 24 [↑](#footnote-ref-17)
17. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 8: 25 [↑](#footnote-ref-18)
18. من لا یحضره الفقیه 1: 548 [↑](#footnote-ref-19)
19. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 8: 25 [↑](#footnote-ref-20)
20. [وسائل الشیعة 4: 206](https://lib.eshia.ir/11025/4/206) [↑](#footnote-ref-21)